

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نشریه پیشرو شماره ۴۹

۲۱ اپریل ۲۰۱۴

«جامعه مدنی»

ابزاری در دست استعمارگران برای تداوم استعمار

بعد از ۱۱ سپتمبر که غربی ها، افغانستان را مستقیماً در سیطره خود در آوردند، با استقرار نیروهای نظامی، ارسال هزارها میلیون دالر جهت تحکیم موقعیت خود و جابه جایی صد ها دونه، دیپلومات و انجو، در کنار اعلان پروژه دموکراسی، تشکیل نهادهای جامعه مدنی، تیوری رسیدن به چنان جامعه ای را در صدر کار شان قرار داده، تبلیغات دامنه داری را در این جهت آغاز نمودند.

استبداد مزدوران سوسیال امپریالیزم شوروی بعد از کودتای هفت ثور تا سقوط دولت پوشالی نجیب زیر نام کمونیزم، تک حزبی، نان، خانه، لباس و غیره، بعداً استبداد تنظیم های جنگ افروز و بعدتر بیدادگری های طالبان سیاه فکر، مردم افغانستان و مخصوصاً روشنفکران را به ستوه آورده، به دنبال فضائی که آزادانه نفس کشیده بتوانند، سرگردان نمودند. در چنین وضعیتی یک باره مصوبه های بن، پروژه دموکراسی را وارد افغانستان ساخت که با شعارهای آزادی بیان، آزادی رسانه ها و آزادی احزاب بدرقه می شد و بر فرق همه تیوری جامعه مدنی که ظاهراً در مقابل تمامی استبدادهای گذشته قرار می گرفت، چون الترناتیوی برای آینده مدرن با برپائی نهادهای آن و کمکهای وسیعی از سوی غربی ها، مخصوصاً ایالات متحده، روان بسیاری از این روشنفکران را تسخیر کرد.

برپائی صدها کنفرانس و سیمینار، رفت و آمدهای در بیرون، نوشتن صدها مقاله و انجام صدها مصاحبه در وصف چنین جامعه ای، در برابر شکست افکار مترقی و افکار ارتجاعی، این الترناتیو توانست به آسانی در روان بسیاری از هموطنان روشنفکر ما شناور گردد، چیزیکه امپریالیست ها در این سه دهه به دنبال آن بودند، تا با تحمیل گروه های رنگارنگ فاشیستی چنین زمینه ای را برای چنین تیوری مساعد سازند.

جامعه مدنی چیزی جدا از یک جامعه خشن سرمایه داری نیست که شاخص ترین های آن امروز با هزار و یک مشکل در درون و بیرون دست به گریبان اند. نهادهای جامعه مدنی ابزاری اند که بسیاری آن ها از نظر فکر و عمل، راه ورود سرمایه های غربی را به داخل کشور های نیمه سرمایه داری مساعد ساخته، سران اکثر این نهادها چیزی جز نوکران فرهنگی و کمپرادوران اقتصادی امپریالیست ها نمی باشند. مخصوصاً در کشور ما که امپریالیست ها به دلایل مختلف تصمیم دارند پایگاه های دائمی شان را بنا به ضرورت منافع جهانی خود، مستقر سازند. لذا اکثر سران این نهادها از مزد بگیران امپریالیست ها تشکیل شده که به عنوان جاده صاف کن های کمپنی های امپریالیستی عمل می کنند.

تا زمانی که تضاد های طبقاتی در جامعه نیمه سرمایه داری و سرمایه داری پیشرفته حل نگردند، ارزش اضافی از میان نرود و وسایل تولید همگانی نشوند، هیچ راه دیگری برای تأمین آزادی و عدالت وجود ندارد و این را هرگز با شگردهای تیورپسن های بورژوازی نمی توان حل کرد، جز این که با انقلاب عمیق اجتماعی، استثمارگران ضد بشریت در دریائی از خون و خاکستر غرق شوند و راه برای آزادی، برابری، عدالت و انسانیت باز شود.

در جوامعی که ۵ در صد جامعه بیش از ۹۰ در صد نعمات مادی و معنوی را در کنترل داشته، استثمار به خشن ترین وجه آن جریان داشته باشد؛ مافیا، تن فروشی، اعتیاد، بهره کشی، تجاوز به کشورهای دیگر، تولید سلاح های کشتار جمعی، تولید گاز های گلخانه ای تا حدی که به زودی درجه حرارت زمین ۴ درجه از دیداد خواهد یافت و یخ های قطب، آب شده و زندگی میلیون ها آدم در معرض مرگ قرار خواهد گرفت و لایه اوزون که محافظ بسیاری امراض انسانی است پاره پاره خواهد شد و غیره، چگونه می توان از حقوق بشر و عدالت در جهان نام برد. در چنین جوامع و شرایطی «عدالت»، «حقوق بشر» و «دادخواهی» روپوش های کثیفی اند که بورژوازی می خواهد با علم نمودن آنها تمامی کثافت کاری هایش را استتار نماید.

مهتره های جامعه مدنی در کشور ما برای مقاصد کشور های تجاوزگر و دریافت پول بیشتر به هر آنچه از آن آدرس دیکته شود، سر می گذارند و پروائی ندارند از این که درین معامله، فروش کشور را هم به مزایده بگذارند. میلیون ها دالری که «جامعه جهانی» برای تثبیت منادیان جامعه مدنی در کشور ما به مصرف رسانیده است، هر از گاهی به ثمر می نشیند. چندی قبل که رستوران لبنانی در کابل مورد حمله قرار گرفت و در آن تعدادی از خارجی ها کشته شدند، در فردای آن، جامعه مدنی به سوگ نشست، یخن درید و شعار ضد تروریزم سر داد، اما چند روز بعد از آن حادثه که نیروهای امریکائی ده ها خانه را در ولایت پروان به مخروبه مبدل ساختند و کودکان و زنان زیادی را به خاک و خون کشیدند، صدائی، ناله ای حتی آهی از گلوی مزدبگیران جامعه مدنی بیرون نشد. گو اینکه خون خارجی ها رنگین تر از خون هموطنان خود شان بود، ورنه با چنین بی تفاوتی از کنار آن نمی گذشتند. بیش از ده سال است که روستاهای کشور ما در اثر بمباران نیروهای خارجی به ویرانه مبدل می شوند، درین مدت هزاران تن از مردم بی دفاع ما توسط «دوستان جامعه جهانی» از پا درآمدند، بر اجساد شان ادرار کردند، بدترین توهین و تحقیر را در حق مردم ما روا داشتند و غیره، ولی هیچ گاه جامعه مدنی به فغان نیامد و از مردم بی دفاع به دفاع برخاست، زیرا «دوستان جامعه جهانی» حیثیت و وقار خود را می باختند.

میلیون ها دالر برای همین به جامعه مدنی سرازیر می گردد که استعمار را در کشور ما تداوم بخشند و قهر و خشم مردمی را که دیگر از این حالت به ستوه آمده اند، با مدارا فرو نشانند و در عین حال «دوستان جامعه جهانی» را نیز از خود راضی نگه دارند.